

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۴۸/۱۰/۱۹

ما در زمینه‌ی دور کردن مردم از فحشا و فساد، اندکی به اسلام نزدیک شده‌ایم. جوانان ما، به سلامت و عافیت معنوی و روحی نایل شده‌اند و از بوجی و فساد اخلاقی و تردیها و دلزدگی‌های زندگی، آسوده و رها گردیده‌اند. ما در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، در آن بخشهایی که سیاستهای اسلامی عمل شد، به اسلام نزدیک شده‌ایم و در همان بخشها مردم احساس آرامش و آسایش می‌کنند. در حرا هم که وارد مرحله‌ی اسلام و مقوله‌ی اسلامی نشدیم، مردم در آنجا همان زندگی دشوار و وضعیت ناخوشایند را دارند. کسانی که اهل تحلیل و استدلال و بحث هستند، بردارند فهرست کنند تا برای مردم روشن بشود.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری / ۱۳۷۲/۰۵/۱۲

ما با نظام سوسیالیستی هم، به همین اندازه فاصله داریم. نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم می‌گیرد؛ ابتکار و میدان را می‌گیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده‌ی سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن متعلق می‌کند. این، غلط اندر غلط است. در اسلام، چنین چیزی نداریم. نه آن را داریم، نه این را. هم آن غلط است، هم این. نظام اقتصاد اسلامی، درست است. این‌طور نیست که نظام اقتصادی اسلامی، عبارت باشد از هرچه که در هر دوره‌ای مصلحت باشد. نخیر! نظر شریف امام رضوان الله علیه هم این نبود. من خودم یک‌وقت از ایشان پرسیدم. اسلام یک روش خاص خود دارد. مسألکی در مسائل اقتصادی جامعه‌ی اسلامی دارد و آن سلک را طی می‌کند. اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. البته ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره‌ی بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه‌ریزان باید این باشد. سازمان برنامه و برنامه‌ریزان کشور، با این سیاست کلی و بر این اساس باید برنامه‌ریزی کنند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۲/۰۲/۱۹

اسلام بر قلب مقدس پیغمبر اکرم نازل شد؛ نماز را آورد، روزه، زکات، انفاقات، حج، احکام خانواده، ارتباطات شخصی، جهاد فی سبیل الله، تشکیل حکومت، اقتصاد اسلامی، روابط حاکم و مردم و وظایف مردم در مقابل حکومت را آورد. اسلام، همه‌ی این مجموعه را بر بشریت عرضه کرد؛ همه را هم پیغمبر اکرم بیان فرمود. «ما من شیء یقریکم من الجنة و بیاعدکم من النار الا و قد نهیتکم عند و امرتکم به»؛ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، همه‌ی آن چیزهایی را که می‌تواند انسان و یک جامعه‌ی انسانی را به سعادت برساند، بیان فرمود. نه فقط بیان، بلکه آن‌ها را عمل و پیاده کرد. خوب؛ در زمان پیغمبر، حکومت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی تشکیل شد، اقتصاد اسلامی پیاده شد، جهاد اسلامی برپا و زکات اسلامی گرفته شد؛ یک کشور و یک نظام اسلامی شد. مهندس این نظام و راهبر این قطار در این خط، نبی اکرم و آن کسی است که به جای او می‌نشیند.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی / ۱۳۷۷/۱۲/۰۲

ما وقتی می‌گوییم منتظر امام زمان هستیم، بیشترین خصوصیتی که برای امام زمان ذکر می‌کنیم، این است که «یملأ الله به الارض قسطا و عدلا»؛ نمی‌گوییم: «یملأ الله دینا و صلاه و صوما». باینکه آن هم هست و قسط و عدل در چارچوب دین، بهترین و بیشترین تحقق را پیدا می‌کند، لیکن معلوم می‌شود که این عدل، یک مصرع بلند درخواستهای انسان است و اگر این روشی که الان بعضیها غافلانه دنبال می‌کنند و آن، الگو گرفتن از زندگی غربی است، رواج پیدا کند، روز به روز این حالت بدتر خواهد شد. علاج این است که ما خودمان را از دنباله‌روی فرهنگ غربی در زمینه‌ی مسائل اقتصاد کاملا خلاص کنیم و نجات بیخشیم. این‌طور نیست که اگر کشوری درآمد سرانه‌اش رقم بالایی است، معنایش این است که این درآمد سرانه به همه می‌رسد. شما الان ببینید در آمارهایی که داده می‌شود، فرضا می‌گویند در فلان کشور پیشرفته‌ی دنیا مثلا آمریکا یا کانادا درجه‌ی حرارت به چهل و دو درجه رسید و فلان قدر آدم کشته شدند. آیا در تهران اتفاق می‌افتد که در چهل و دو درجه حرارت کسی کشته شود؟ یا مثلا گفته می‌شود در فلان کشور سرما به پنج درجه، ده درجه زیر صفر رسید و فلان تعداد انسان یخ زدند. این‌ها چه کسانی هستند که از حرارت زیاد کشته می‌شوند و یا در زمستان یخ می‌زنند؟ آن‌هایی که در ساختمان‌هایی نشسته‌اند که با سرما و گرماک آن‌چنانی اداره می‌شود، یخ نمی‌زنند؛ آن‌ها که سرپناه دارند که یخ نمی‌زنند و یا از گرما نمی‌میرند. این معنایش آن است که طبقاتی در آنجا وجود دارند که زندگی بر آن‌ها سخت است. برزیل امروز هفتمین یا هشتمین قدرت اقتصادی دنیاست؛ اما در آنجا چند میلیون کودک وجود دارد که این‌ها نه پدر و مادر دارند، نه سرپناه دارند، نه مسکن دارند؛ شبها در کوچه‌ها می‌خوابند، در کوچه‌ها هم پرورش پیدا می‌کنند، در همان کوچه‌ها هم یا کشته می‌شوند و یا می‌میرند! ما نباید دنبال این زندگی برویم. ما نباید دنبال این اقتصاد برویم. شکوفایی اقتصاد معنایش این نیست. شکوفایی اقتصاد این است که به دولت امکان بدهد تا فقر را از میان جامعه بردارد؛ این اقتصاد خوب است. ما بایستی نه فقر یک گروه خاصی را، بلکه فقر عمومی را از بین ببریم. اقتصاد، اقتصاد اسلامی است و همین بایستی تحقق پیدا کند. البته نباید از حق بگذریم؛ برخی از مسئولانی که من می‌دانم و آن‌ها را می‌شناسم، دنبال این هستند. اوایل کار این دولت جدید به من گفته شد سعی بر این است که نظام بانکی را صددرصد اسلامی کنند البته قانون اسلامی است، منتها روشهایی در اجرا وجود دارد که متاسفانه از آن حالت اسلامی بودن خارج می‌کند در آن طرح ساماندهی اقتصادی هم این نکته آمد؛ من هم تأیید کردم. امیدواریم ان شا الله بتوانند چنین کاری بکنند. البته دست که خالی باشد، این کارها یک‌خرده سخت‌تر انجام می‌گیرد. همین کاهش درآمدی که شما اشاره کردید و مربوط به امسال و پارسال است، این تأثیر را دارد. باید این را دانست که اگر واقعا دست دولت از لحاظ مالی پر باشد، خیلی از این کارها را راحت‌تر می‌تواند انجام دهد؛ اما وقتی پر نباشد، مشکل‌تر انجام می‌دهد. امیدواریم ان شا الله این ایده‌ها در شما عزیزان زنده بماند. شما مواظب باشید که این خواستها و این آرزوها را از دست ندهید. از حالا به یادتان نگه دارید؛ وقتی که مسئول شدید، وقتی که یک امکان خوب زندگی گیرتان آمد، همین حرفها یادتان باشد.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۷۷/۱۲/۲۸

اسلام با معنا کردن زندگی و هستی و با نشان دادن راه درست آن، انسان را در فراهم آوردن زندگی حقیقتا سعادت‌مندانه یاری می‌دهد و صراط مستقیم الهی را به او معرفی می‌کند. همه‌ی احکام و دستورهای اسلامی، و همه‌ی خطوط اصلی در شیوه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام، و همه‌ی عبادات و مقررات فردی و جمعی اسلام، اجرا درهم‌تنیده‌ی این نسخه‌ی زندگی‌بخش و سعادت‌آفرین است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۸/۰۷/۰۹

اگر ما در زمینه‌ی اقتصادی و در زمینه‌ی تشکیلات اداری هم توصیه‌ی اسلام را دقیقا عمل می‌کردیم، یقینا وضعمان بهتر از این بود. ما آنچه را که در زمینه‌های اقتصادی عمل کرده‌ایم، متاسفانه یک نسخه‌ی مخلوط است. چیزهایی از اسلام در آن هست؛ اما مخلوط دارد. آن بخش مخلوط شده، برای ما هرگز خیری به بار نیاورده است. امروز نظرات اقتصادی غربی که تا اندکی قبل جزو مسلمات محسوب می‌شد، مورد مناقشه‌ی خود غربی‌ها قرار می‌گیرد. واقعا تقصیر ملت‌ها چیست؟ تقصیر ملت‌هایی که به‌وسیله‌ی سرانشان به پیروی از این روشهای اقتصادی مجبور می‌شوند، چیست؟ ما بانک بدون ربای اسلامی را در اواخر حیات مبارک امام راه انداختیم، اما ناقص! یکی از همتهای دولت فعلی این هست و امیدواریم ان شا الله در این کار موفق شوند که بانک اسلامی بدون ربا را به‌طور کامل اجرا کنند. البته قبلا فعالیت‌های زیادی شده است؛ اما بایستی قدمهای بعدی برداشته شود.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف / ۱۳۷۸/۰۹/۰۱

مقوله‌ای به نام «اقتصاد اسلامی» هست و در باره‌اش کتاب هم نوشته شده است. برخی از اقدامات اقتصادی دولتی هم که از اول انقلاب تا به حال انجام گرفته مثل فعالیتهای بانکی و برخی از فعالیتهای دیگر بر اساس همان «اقتصاد اسلامی» است. به نظر من، مشکل اقتصاد کشور، قابل حل است و برنامه‌های قابل قبولی هم در این زمینه فراهم شده است. سال گذشته، آقای رئیس‌جمهور به کمک جماعتی، بعد از تلاش زیاد، برنامه‌ای را فراهم کردند که به نام «برنامه‌ی ساماندهی اقتصادی» معروف شد. برنامه‌ی خوبی بود؛ آن را پیش من هم آوردند و بنده هم آن را تأیید کردم. اگر همان برنامه اجرا شود، البته نتایج خوبی خواهد داشت. منتها آن برنامه را در همین برنامه‌ی پنج‌ساله گنجانده‌اند. اگر برنامه‌ی پنج‌ساله با آن سیاستهایی که ما به طور مشخص و با مشورت فراوان و کار زیادی که روی آن شده و اعلام هم کرده‌ایم، تطبیق کند، من شک ندارم که در طول پنج سال، اثر محسوس‌تری دیده خواهد شد. نمی‌گویم به‌کلی همه‌ی مشکلات حل می‌شود؛ اما یقیناً اثر محسوس‌تری دیده خواهد شد. مشروط بر اینکه آن سیاستها دقیقاً رعایت شود. البته ما، هم به خود دولت و هم به مجلس سفارش کردیم که مراقبت کنند تا آنجایی که عملی است که فکر هم می‌کنیم همه‌اش یا نزدیک به همه‌اش عملی است این سیاستها در مواد برنامه‌ها دیده شود.

بیانات در دیدار اعضای هیات علمی کنگره امام خمینی(ره) / ۱۳۷۸/۱۱/۰۲

ممکن است فقها و فضلاء ما تلاش کنند و فقهی را که در اختیار ماست و ضعفها و کمبودهای فراوانی هم دارد، پالایش کنند. این بحث دیگری است؛ این کار را بکنند؛ اما چیزی که باید مطرح باشد و نظر امام قطعاً این بود این است که مل فضای جامعه، با شریعت و فقه و احکام و عمل اسلامی پر شود. ایشان غیر از این را در هیچ موردی قبول نداشتند. من یک‌وقت در باره‌ی ولایت فقیه با ایشان صحبت می‌کردم؛ گفتم قبل از انقلاب، ما با بعضی از فضلا و دوستان بحث داشتیم؛ بعضیها می‌گفتند اسلام شیوه‌ی خاصی در باب اقتصاد ندارد. هر شیوه‌ای که بتواند آرمان‌های اسلامی مثلاً عدالت را تأمین کند، اسلامی است؛ ولی عقیده‌ی ما این بود که نه، اسلام خطوطی معین کرده و شیوه‌ای بنا نهاده و چارچوبی برای اقتصاد اسلامی درست کرده و این چارچوب باید تبعیت شود. ایشان گفتند: بله، این درست است. من نمی‌خواهم به این قضیه استناد کنم که این حرف درست است؛ می‌خواهم استناد کنم که نظر امام این بود؛ یعنی ایشان به کمتر از این اصلاً قانع نمی‌شدند. آنجایی هم که بحث سر احکام ثانوی بود، ایشان به عنوان یک حکم اسلامی و فقهی بر آن تأکید می‌کردند. ایشان تا آخر هم همین‌طور بودند. در خصوص غنا موسیقی ایشان حرف جدیدی مطرح کردند. مبنای فقهی ایشان این‌طور بود. برای این قضیه، ایشان استناد فقهی داشتند. البته چیزی که در کتاب مکاسب گفتند، در جهاتی با این تفاوت دارد؛ اما براساس مبنای فقهی می‌گفتند؛ بر اساس ضرورت و مصلحت و پسند دنیا نبود. البته ممکن است کسی با کلیات و جزئیات این نظر موافقت نداشته باشد؛ خیلی خوب، نظر خودش است؛ لیکن نظر امام تحریف نشود. شما باید خیلی مراقبت کنید که نظر امام واقعاً به گونه‌ای درآید که در کلمات و حرفها و منش ایشان معلوم است. این نکته خیلی مهم است و به نظر من یک مسئولیت تاریخی و امانتی بر دوش شماست.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

مسئله اقتصادی در امنیت و فرهنگ و عزت و برجستگی حرف سیاسی در کشور و در حضور جهانی تأثیرگذار است. مسأله اقتصادی بسیار مهم است. در اسلام پرداختن به امور اقتصادی مردم جزو واجبات حکومتهاست. پیغمبر اکرم - طبق روایت - فرمود: «کاد الفقر ان یكون کفراً». (۱) مضمون این حرف، آن است که ما آمده‌ایم به مردم ایمان بدهیم؛ اگر توانی نانشان را به‌راحتی به دستشان برسانی، ایمانشان از آنها گرفته خواهد شد. واقع قضیه هم همین است. مسأله فقرزدایی و روان کردن کار اقتصادی در کشور، از جمله مسائل بسیار مهم است؛ مسأله‌ای است که هر کس ان‌شاءالله رئیس‌جمهور شد، باید گشایش و پیشرفت امور اقتصادی کشور و بر طرف کردن مشکلات مردم را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۵

چون دنیای سرمایه‌داری مبتنی بر لیبرال دموکراسی برایش مسأله‌ی عدالت، مسأله‌ی فرعی و درجه‌ی دو و ابزاری است و برای آن‌ها مسأله‌ی نفع و سود و پول مسأله‌ی اصلی است، موجب نمی‌شود که ما از عدالت به معنای یک مسأله‌ی محوری و اصلی صرف‌نظر کنیم. ما در قالبهای اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی‌مان، مسأله‌ی عدالت محور است. اسلام ما این است؛ اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت. به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزشهای غربی و ارزشهای امریکایی را ترویج کند و از روشهای آن‌ها استفاده کند و با آن‌ها در بخش‌های مختلف هم‌رنگ و هم‌صدا شود و احیاناً دعای ندبه‌ای هم بخواند. ما اسلام متحجر طالبانی را هم قبول نداریم. نه اینکه حالا قبول نداریم، از اول جریان نهضت آن را قبول نداشتیم.

بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۲۲ قانون اساسی / ۱۳۸۵/۱۱/۲۰

ما وقتی به صورت کلان به زمینه‌ی اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دوتا پایه‌ی اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه‌ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای هرچه هم مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه‌ی اسلامی» است. این دوتا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم. بنابراین هر دوتا لازم است. شما که متفکر اقتصادی هستید و پایبند به مبانی اسلامی، طرحتان را بیابید؛ باید این دوتا در آن طرح تأمین بشود. اگر این دو در آن طرح تأمین نشد، آن طرح اختلال دارد؛ ایراد دارد.

بیانات در دیدار روسای سه قوه و مسئولان نظام / ۱۳۸۷/۰۶/۱۹

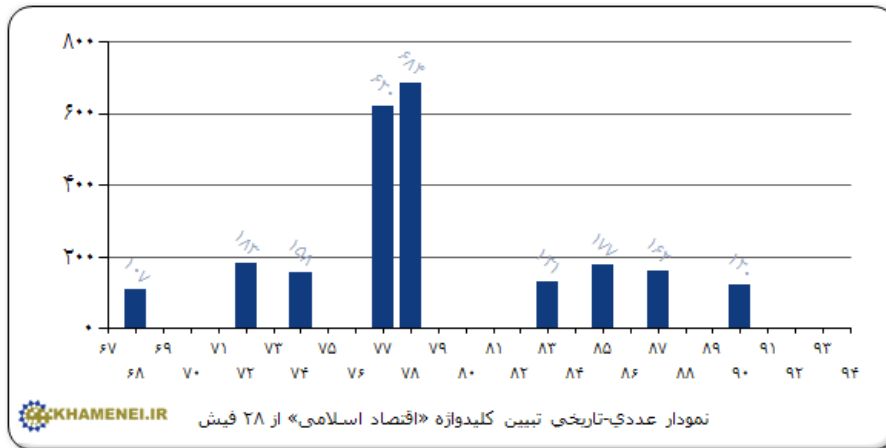
این نظام ماست. حالا من و شما که مسئول در این نظام هستیم، مظهر واقعی و حقیقی صبر ما، صبر بر این اصول و این مبانی و این پایه‌هاست. باید از میدان در نروید. این‌جور نباشد که اگر چنانچه در باره‌ی قصاص اسلامی، در باره‌ی اقتصاد اسلامی، در باره‌ی شکل حکومت اسلامی، در باره‌ی قانون اساسی شما، هو و جنجال و هیاهو در دنیا راه انداختند - که امکان این کار را هم دارند که هیاهو راه بیندازند - شما جا برنیزد؛ نه، بر مبانی خودتان پافشاری کنید. مبانی شما، عبودیت خداست، خدمت به بندگان خداست، دشمنی با دشمنان خداست، دشمنی با دشمنان بندگان خداست؛ این‌هاست شعارهای ما. نظام جمهوری اسلامی نظامی است بر این پایه‌ها؛ نظامی است عقلانی، نظامی است دانشی. عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام از بالا تا پایین حاکم باشد؛ اما عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛ عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راههایی برای هرچه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌هاست.

بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۹۰/۰۶/۰۲

یکی از نتایج یا حواشی حوادث منطقه‌ی ما - که بالاتر از حواشی است - غلط از آب درآمدن تئوری‌های غربی است. همه‌ی تئوری‌های اینها در زمینه‌ی اقتصاد - که حالا وضع اقتصادی‌شان را دارید مشاهده میکنید - در زمینه‌ی سیاست، اداره‌ی سیاسی آنها، مدیریت سیاسی آنها، این‌جور دارد در این منطقه به گل می‌نشیند. بعد از این همه کاری که در این منطقه کردند و نفوذی که پیدا کردند، حضور سیاسی و اقتدار سیاسی آنها این‌جور دارد نابود میشود. اینها نشان میدهد که تئوری‌پردازهای غربی در زمینه‌ی سیاست، در زمینه‌ی اقتصاد، تئوری‌های ناقص و عقیم و بی‌خاصیتی است؛ ما را بیشتر تشویق میکند که برویم به درون خودمان مراجعه کنیم و فکر اسلامی و اندیشه‌ی اسلامی را پیدا کنیم.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران / ۱۳۹۴/۰۴/۰۶

ما اگر بتوانیم این حرفهای خودمان را حرفهای نویی است در دنیا منتشر کنیم و به گوشها برسانیم، پذیرنده و طلبکار زیاد خواهد داشت. این یکی از خصوصیات امروز است. یک روزی بود که این‌جور نبود؛ «یک روزی» که عرض میکنم، نه صد سال پیش، بلکه [همین زمان جوانی ما. فرض بفرمایید مارکسیسم، در بین جوانها در اغلب کشورها [رایج بود]؛ فقط در بعضی از کشورها مثل آمریکا یا بعضی کشورهای اروپا به این شدت نبود اما در اغلب کشورها جاذبه‌ی مارکسیسم [بود]؛ بخصوص در زمینه‌ی اقتصادی، جاذبه‌ی سوسیالیسم، یک جاذبه‌ی همه‌گیر بود؛ [حتی] در کشورهای اسلامی. در کشور خود ما و در بین علاقه‌مندان همین خط اسلامی، کسانی بودند از معاریف - که اگر بگویم می‌شناسید؛ یعنی همه‌تان می‌شناسید- که صریحا با همین تعبیر «سوسیالیسم» از آن دفاع میکردند و حمایت میکردند و میل داشتند که فکر اقتصادی اسلامی را تطبیق بدهند با سوسیالیسم یا آن را در قالب تعبیرات سوسیالیسم بیان کنند. ما جلسات صحبت گوناگون و بحث و مباحثه و مانند اینها با بعضی از اینها داشتیم. امروز این‌جوری نیست؛



مقالات مرتبط با کلیدواژه «اقتصاد اسلامی» :

اقتصاد اسلامی و گستره آزادی در آن / نویسنده : سیدحسین اسحاقی / ۱۳۸۲/۰۵/۰۲

موضوع علم اقتصاد اسلامی / نویسنده : سیدحسین میرمعزی / ۱۳۸۶/۱۰/۰۱

ظرفیت‌ها و چالش‌های اجرای اقتصاد اسلامی / نویسنده : یدالله دادگر / ۱۳۸۲/۱۰/۰۷

آزادی اقتصادی انسان‌محور بر اساس آموزه‌های اسلامی / نویسنده : احمدعلی یوسفی / ۱۳۹۱/۰۸/۲۴

عدالت اجتماعی و شاخص‌های توسعه در جامعه آرمانی اسلام / نویسنده : فائزه عظیم‌زاده اردبیلی / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷

مفاهیم و معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در چهار چوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت / نویسنده : حسین عیوضلو / ۱۳۹۰/۰۲/۲۷